



تورق کتاب زندگی عباس جهانگیری

روزنامه فروشی در «نظام آباد»

هشتم مجبور به ترک تحصیل شد. عباس حالا بیشتر کار می‌کرد طوری که دو سال بعد با پشتکار و تلاش توانست عضو هیأت مدیره اتحادیه فروشندگان جراید تهران شود.

مطبوعات داخلی و خارجی

«حدود دهه ۵۰ در حوالی خیابان بلال حبشی مجموعه ساختمان و مغازه جدید ساخته شده بود. ما با اندوخته‌ای که جمع کرده بودیم، یک مغازه به صورت مشارکتی خریدیم و مجلات و مطبوعات داخلی و خارجی را از نمایندگی‌ها به آنجا می‌آوردیم و به مشتریان خاص خود می‌فروختیم.» جهانگیری با لحن گرم و گیرایش این جمله را می‌گوید و ادامه می‌دهد: «کم‌کم طیف جدیدی به مشتریان و مخاطبان ما افزوده شد و مشتریان خارجی که آن زمان در تهران زیاد بودند، برای تهیه مجلاتی مثل نشریات مد و فشن، تایم، نیوزویک، اشترن و اشیگل به ما مراجعه می‌کردند و ما هم از شرکت واردکننده آن در خیابان تخت طاووس (شهید مطهری) تحویل می‌گرفتیم و به مشتریان مان می‌فروختیم.»

خودآموز خیاطی و قلاب بافی

بعد از انقلاب که واردات نشریات خارجی ممنوع شد، عباس جوان تصمیم گرفت خودش

پسرک روزنامه‌فروشی که روزی در خیابان‌های شرق تهران همراه پدرش روزنامه می‌فروخت، امروز با پشتکار و تلاش خود بیش از ۹۰۰ عنوان کتاب منتشر کرده است. صحبت از عباس جهانگیری است، مدیر انتشارات بین‌المللی حافظ که هر کتابش را با عشق چاپ کرده و حالا پس از ۶۵ سال فعالیت در حوزه فرهنگ و کتاب با حضور در بزرگ‌ترین نمایشگاه‌های کتاب جهان، فرهنگ، هنر و ادبیات، سبک زندگی ایرانی را به جهانیان معرفی کرده است؛ مردی که به یکصد نمایشگاه کتاب خارج از ایران رفته و حالا حاصل تجربیات خود را در کتاب «دور دنیا با کتاب» نگاشته است.



ساره گودرزی

خبرنگار

دیگر کار نمی‌کنم!

عباس جهانگیری از شش سالگی شروع به کار کرد، ابتدا در یک مغازه عطاری در نزدیکی منزل‌شان حوالی خیابان نظام‌آباد مشغول کار شد؛ کارش این بود که مراقب اجناس بیرون مغازه باشد اما بعد از دو سه روز به دلیل گرمی هوا به خانه برگشت و گفت دیگر کار نمی‌کنم. بعد از ورود به مدرسه، درسش را با جدیت ادامه داد به طوری که وقتی کلاس سوم بود به درخواست خانواده‌ها به دانش آموزان کلاس‌های اول و دوم، درس می‌داد و دستمزد می‌گرفت.

نماینده «کیهان» و «اطلاعات»

۱۴ ساله بود و مشغول تحصیل در دوره دبیرستان که به پدرش شغل فروشندگی روزنامه در خیابان تهران نو پیشنهاد و برای اولین بار نمایندگی توزیع روزنامه کیهان در این خیابان به پدرش سپرده شد. هر روز بعد از مدرسه به کمک پدر می‌رفت و روزنامه‌ها و مجلات کیهان را بعد از تحویل می‌گرفت از میدان امام حسین (ع) به حوالی خیابان ۳۰ متری نارمک می‌رفت و با مراجعه به در خانه‌ها و مغازه‌ها، روزنامه‌ها را می‌فروخت. پس از مدتی برای توزیع روزنامه درخواست دو چرخه دادند، پس از آن هر روز صبح با دو چرخه به مدرسه می‌برد و بعد از ظهرها روزنامه‌ها را توزیع می‌کرد. کمی بعد نمایندگی روزنامه اطلاعات را هم گرفتند و کم‌کم کارشان توسعه پیدا کرد و توانستند یک کیوسک روزنامه‌فروشی در خیابان بلال حبشی بگیرند تا پدرش در آن مستقر شود. بعد از آن عباس جوان تا ساعت ۹ شب در نارمک و تهران نوبه توزیع روزنامه‌ها می‌پرداخت و حالا نمایندگی مطبوعات شرق تهران را اختیار آنها بود اما بیشتر شدن حجم کار و مشکلات مالی خانواده و پیری پدر موجب شد او کمتر به درس و مدرسه‌اش برسد و در کلاس

مردی که توقف را باور ندارد



فریده جهانگیری

نویسنده

۲۰ سال‌ها پیش، روزهایی که خستگی بر روزگارم چیره می‌شد، مردی رامی‌دیدم که بی‌پروا از تمام محدودیت‌ها، دست بر زانوهایش می‌گذارد و هر روز رعناتر از دیروزش می‌ایستد. مردی که توقف را باور نداشت. او کسی است که در میان سنگ‌ها آب می‌دید و تمام توانش را می‌گذاشت تا هنر را زنده کند. در نگاه او بود که امید را باور کردم و دیدم فقط کافی است بخواهی... امروز که از آن روزها، سال‌ها گذشته و موهای سپیدش را تار به تار تجربه پوشانده، میوه عمر او را می‌بینم. شاید فکر کنید صد‌ها کتاب چاپ شده میوه‌اش بودند اما نه! شاید فکر کنید سال‌ها معرفی ایران و فارسی به ده‌ها کشور بود اما نه! یا شاید بیندازید میوه‌اش این گروه فرهنگی بزرگ در انتشارات حافظ است اما به نظرم او چیز دیگری کاشت؛ چیزی از جنس امید و تلاش.

هر روز از خواب بیدار می‌شوم و به نظرم او کمی بلندتر می‌شود، او در ذهن من و خیلی انسان‌های دیگر هنر کاشت، علم کاشت. او همه را به لحظه‌ای عمیق دعوت کرد تا بیشتر فکر کنند، بیشتر هنر را ببینند و بیشتر عشق بورزند زیرا هنر زیباترین روش عشق ورزیدن است.

او یگانه‌وار در این دنیا قدم گذاشت، نامش را بر لوح زرین دنیا حک کرد و هر روز، این افتخار من است.

و من اکنون باور دارم تمام انسان‌های بزرگ هدفشان همین بوده است؛ زیرا او سال‌ها عشق و هنر را تقدیم این مرز و بوم کرد و این بهترین درسی بود که از او گرفتیم. ۲



آدم‌هایی بدون توقف

همیشه هنگام مطالعه نشریات و کتاب‌ها با اسامی افرادی مواجه می‌شدم که با تلاش و مقاومت در برابر سختی‌ها در زندگی همچنان با اراده قوی و بدون توقف جلو رفته بودند و به دنبال مسیر از پیش تعیین شده حرکت می‌کردند. کتاب‌هایی که تأثیر زیادی بر من داشتند شامل:

۱
خداوند الموت
نشر جاویدان
انتشار در سال ۱۳۹۹



۲
خواجہ تاجدار
انشارات امیرکبیر
انتشار در سال ۱۳۹۵



۳
جنایت و مکافات
نشر نگاه
انتشار در سال ۱۴۰۰

